

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

احكام (۲)

رشته علوم و معارف اسلامی

بایه یازدهم

دوره دوم متوسطه

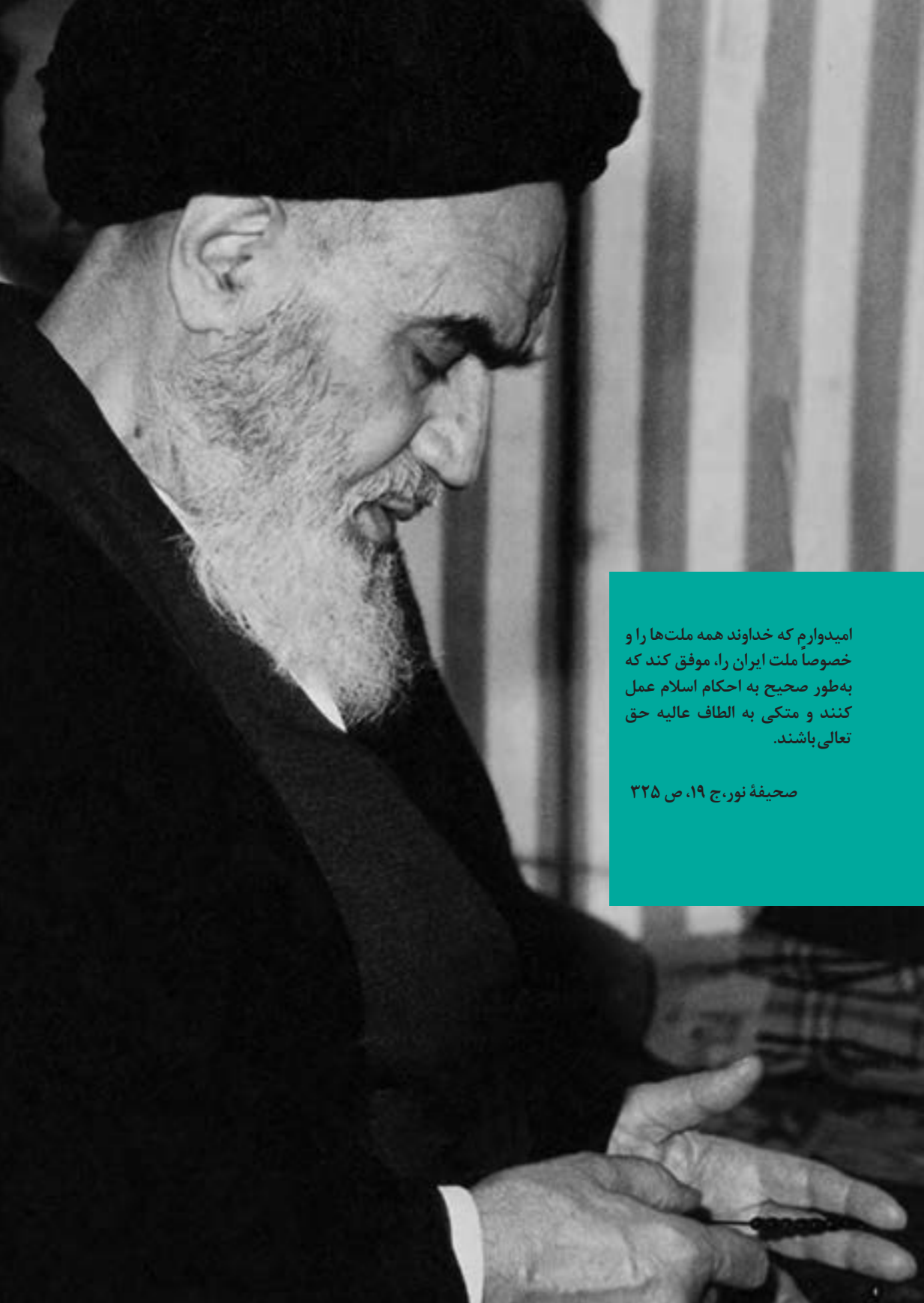


وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

- نام کتاب: احکام (۲) - پایه یازدهم دوره دوم متوسطه - ۱۱۱۲۲۷
- پدیدآورنده: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
- مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف: دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری
- شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف: حسین سوزنجی، سعیدسید حسینی، محمود متوسل آرائی، محمد مهدی اعتصامی، علی ناسخیان، حسن جعفریان و مهدی حاجیان (اعضای شورای برنامه‌ریزی) نورالدین شریک (مؤلف) - محمد کاظم بهنیا (ویراستار)
- مدیریت آماده‌سازی هنری: اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی
- شناسه افزوده آماده‌سازی: احمد رضا امینی (مدیر امور فنی و چاپ) - جواد صفری (مدیر هنری، صفحه‌آرا و طراح جلد) - کبری اجابتی، زهرا ایمانی نصر، فاطمه صغری ذوالفقاری، پری ایلخانی‌زاده، زینت بهشتی شیرازی، حمید ثابت کلاچاهی، ناهید خیام‌باشی (امور آماده‌سازی)
- نشانی سازمان: تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی) تلفن: ۹-۸۸۸۳۱۱۶۱، دورنگار: ۰۹۲۶۶۰۸۸۳، کد پستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹
- وبگاه: www.irtextbook.ir و www.chap.sch.ir
- ناشر: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران تهران: ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (داروبخش) تلفن: ۵-۴۴۹۸۵۱۶۱، دورنگار: ۰۴۴۹۸۵۱۶، صندوق پستی: ۳۷۵۱۵ - ۱۳۹
- چاپخانه: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»
- سال انتشار و نوبت چاپ: چاپ دوم ۱۳۹۷

شابک ۰ - ۲۷۲۹ - ۰۵ - ۹۶۴ - ۹۷۸

ISBN 978-964-05-2729-0



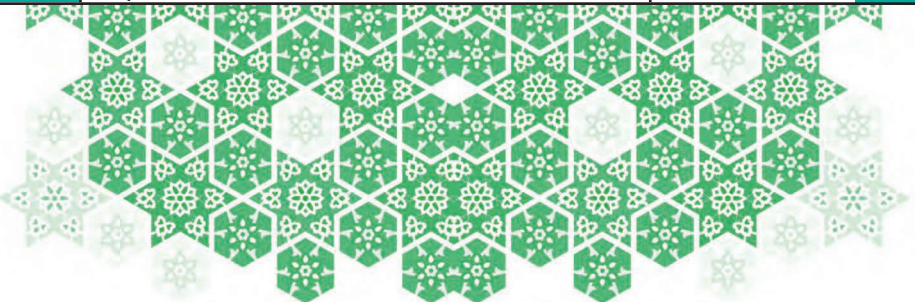
امیدوارم که خداوند همه ملت‌ها را و
خصوصاً ملت ایران را، موفق کند که
به‌طور صحیح به احکام اسلام عمل
کنند و متکی به الطاف عالی‌ه حق
تعالی باشند.

صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۳۲۵

کلیه حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است و هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن به صورت چاپی و الکترونیکی و ارائه در پایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، تبدیل، ترجمه، عکس برداری، نقاشی، تهیه فیلم و تکثیر به هر شکل و نوع، بدون کسب مجوز از این سازمان ممنوع است و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

فہرست مطالب

۸	امر بہ معروف و نہی از منکر (۱)	درس اوّل :
۱۴	امر بہ معروف و نہی از منکر (۲)	درس دوم :
۲۰	دفاع و جہاد	درس سوم :
۲۷	حدود معاشرت محرم و نامحرم	درس چہارم :
۳۲	احکام پوشش و نگاہ	درس پنجم :
۴۲	تفریح، قمار، موسیقی	درس ششم :
۴۸	زکات	درس ہفتم :
۵۶	خمس	درس ہشتم :
۶۱	وصیت	درس نہم :
۶۶	ارث	درس دہم :
۷۳	احکام کسب و کار	درس یازدہم :
۷۹	معاملات حرام	درس دوازدہم :
۸۵	اصطلاحات اقتصادی اسلام (۱)	درس سیزدہم :
۹۲	اصطلاحات اقتصادی اسلام (۲)	درس چہاردہم :
۹۸		منابع و مأخذ :





سخنی با دبیران ارجمند

درس احکام یکی از دروس اصلی رشته علوم و معارف اسلامی بوده و آموزش آن از مهم ترین اهداف این رشته می باشد. گذشته از آشنایی و عمل به احکام و دستورات شرع، فهم نظام فقهی اسلام و آشنایی با فلسفه برخی دستورات، می تواند موجب فهم عمیق تر دین و برقراری ارتباط بهتر دانش آموز با مسائل فقهی گردد. آمیختن مباحث «فلسفه فقه» با «درس احکام» ضمن کاستن از خستگی این درس و تسهیل امر آموزش، به دقت بخشی در مطالعه مباحث دینی و زدودن شبهات احتمالی پیرامون آن، کمک بسزایی خواهد نمود.

با توجه به محدودیت های ساعات درسی و حجم کتاب و برخی ملاحظات دیگر، مباحث مطرح شده صرفاً جنبه آشنایی با احکام را داشته و به هیچ وجه شامل تمام مسائل مربوط به آن بحث نمی شود. دبیر مربوطه، در صورت لزوم و به اقتضای شرایط، می تواند توضیحات و مثال های تکمیلی را به دانش آموزان ارائه و یا آنان را به رساله و دیگر کتاب های مرتبط راهنمایی نماید.

در این کتاب سعی گردیده تا هر درس، شامل فعالیت، نکاتی برای مطالعه و پرسش های جهت مشارکت فعال دانش آموز در کلاس باشد. همچنین ترجمه برخی آیات و روایات نیز بر عهده دانش آموز گذاشته شده است تا در سایه آن، به طور غیر مستقیم، ادبیات عرب و نیز فهم قرآنی دانش آموز توسعه یابد. لازم به ذکر است که این کتاب نه به عنوان «خودآموز»، بلکه جهت تدریس توسط دبیر مجرب و آموزش دیده طراحی گردیده است، و پاسخگویی به سوالات هر درس، مستلزم کمک و هدایت دبیر مربوطه است. جهت هماهنگی و مساعدت بیشتر، علاوه بر تدوین و توزیع کتاب راهنمای معلم، برگزاری دوره های ویژه جهت دبیران محترم، در دستور کار سازمان قرار داشته است. در تألیف این کتاب از آوردن اختلاف فتوا خودداری شده و در صورت لزوم، دانش آموزان به رساله مرجع تقلید خود ارجاع داده می شوند. هر چند محتوای دروس متشکل از متون مندرج در رساله های عملیه است، لیکن استناد احکام مذکور به شماره مسائل رساله، با توجه به اختلاف رساله های گوناگون، ذکر نگردیده است. البته یافتن شماره مسئله و صفحه مربوط به هر مبحث، با توجه به مختصر بودن نوع مسائل در رساله، بسیار آسان خواهد بود.

آشنایی با اصطلاحات فقهی گرچه برای دانش آموز رشته معارف می تواند مفید باشد، اما با در نظر گرفتن دشواری نسبی این درس، از آوردن اصطلاحات تخصصی فقهی ممانعت به عمل آمد تا دانش آموز به جای تمرکز بر محتوا و مضمون، در دام صعوبت الفاظ و به خاطر سپاری آنها گرفتار نیاید. همچنین به صلاح دید شورا، از ذکر مستحبات و مکروهات و احکام مفصل خودداری گردیده و همت اصلی بر واجبات و اصول هر بحث متمرکز گشت.

امید است با مطالعه و در میان گذاشتن نظرات پیشنهادی خود، ما را در جهت ارائه هر چه بهتر کتاب های درسی یاری نماید.

خداوند همیشه یار و یاورتان باشد



سخنی با دانش آموزان

سلام بر شما

خداوند متان که بهشت را منزلگاه نهایی انسان قرار داده، راه رسیدن به آن را نیز به انسان آموخته است؛ راهی که خوشبختی دنیا را نیز به همراه دارد.

و آفرین بر شما

که در رشته‌ای تحصیل می‌کنید که شناخت پیام نجات‌بخش الهی هدف آن است. کتابی که پیش رو دارید سعی دارد گوشه‌ای از احکام عملی اسلام را به ما بیاموزد، احکامی که در قالب رساله‌ عملیه با آن آشنا هستید. قطعاً احکامی که روشنی‌بخش راه زندگانی ماست بسیار فراتر از آن است که در صفحاتی محدود بگنجد. هر کدام از ما نیز مرجع تقلیدی داریم که منبع ما بر شناخت احکام است؛ پس در هر مسئله‌ای باید به رساله‌ عملیه مرجع تقلیدتان نیز مراجعه کنید و از دبیر گرامی کمک بگیرید.

احکام الهی مبتنی بر علم و حکمت است و قطعاً آنچه خدا از ما خواسته، در رشد و بالندگی ما نقش دارد. سعی کنیم همیشه این را در خاطر داشته باشیم و با میل و رغبت به احکام عمل نماییم.

احکام الهی موضوعی است که در همه زندگی با آن سروکار داریم و باید آنها را به کار گیریم؛ خواه دانش‌آموز باشیم و خواه دبیر، خواه بخواهیم این رشته را ادامه بدهیم خواه نه. پس چه بهتر که از این فرصت به بهترین نحو استفاده کنیم و آن را به کامل‌ترین شکل بیاموزیم.

موفق باشید و خدا یار تان باد

درس اول

امر به معروف و نهی از منکر (۱)

كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ
تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ
وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ
وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ

شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار
شده‌اید.

به کار پسندیده فرمان می‌دهید
و از کار ناپسند باز می‌دارید
و به خدا ایمان دارید.

۱- سورة آل عمران، آیه ۱۱۰

■ قبل از پرداختن به احکام «امر به معروف» و «نهی از منکر» با مفهوم، جایگاه و شیوه‌های گوناگون آن آشنا می‌شویم.

الف) مفهوم «امر به معروف و نهی از منکر»

«معروف» به کار خوب و ارزشمندی گفته می‌شود که مورد تأیید عقل و شرع باشد. «منکر» نیز به کار زشت و ناپسندی اطلاق می‌شود که عقل و شرع آن را تأیید نکنند. در این درس، منظور از «معروف» فقط کارهای واجب، و مقصود از «منکر» فقط کارهای حرام است. توصیه به انجام کار واجب را «امر به معروف» و توصیه به ترک گناه و کار حرام را «نهی از منکر» می‌گویند. این توصیه معمولاً از طریق گفتن انجام می‌شود، ولی منحصر به آن نیست، و به وسیله اشاره، تذکر کتبی و کلمات غیر مستقیم نیز می‌توان امر به معروف و نهی از منکر نمود. لحن گفتار در امر به معروف و نهی از منکر همیشه یکسان نیست و بستگی به شرایط دارد؛ از توصیه دوستانه گرفته تا دستور جدی و لحن آمرانه. دقیقاً مانند پدر و مادری که برای تربیت فرزندشان گاهی با مهربانی، او را راهنمایی می‌کنند و گاهی با لحن شدید، او را توبیخ یا سرزنش می‌کنند. هدف یک چیز است: کمک به فرزندشان و دورنگه داشتن او از خطرات اشتباهات.

«امر به معروف» و «نهی از منکر» در حقیقت دو واجب جداگانه‌اند که معمولاً با یکدیگر نام برده می‌شوند، و از نظر مفهوم و مصداق با یکدیگر تفاوت دارند. اگر واجبی، مانند نماز خواندن، ترک گردد، جای «امر به معروف» است، و اگر معصیتی، مانند غیبت یا دروغ انجام شود، محل «نهی از منکر» است. در نتیجه، این دو فریضه، کاربردهای جداگانه داشته و دو واجب به شمار می‌آیند.

واژه «امر» در اصطلاح «امر به معروف» به چه معنایی است و با معنای رایج آن در زبان فارسی چه تفاوتی دارد؟

فعالیت کلاسی



ب) اهمیت «امر به معروف و نهی از منکر»

اگر در یک جامعه «امر به معروف و نهی از منکر» ترک شود، سایر واجبات، مانند نماز و روزه نیز کم کم به فراموشی سپرده خواهد شد. به همین دلیل در روایات، «امر به معروف و نهی از منکر» از واجبات دیگر، برتر شمرده شده و نسبت به بی‌اعتنایی به آن هشدار شدید داده شده است.

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید :

«همه اعمال نیک و (حتی) جهاد در راه خدا در برابر «امر به معروف و نهی از منکر» مانند قطره‌ای در برابر دریاست»^۱.

آن حضرت در سخنی دیگر درباره ترک «امر به معروف و نهی از منکر» می‌فرماید :
«خداوند سبحان مردمان گذشته را تنها به این دلیل از رحمت خویش محروم ساخت که «امر به معروف و نهی از منکر» را ترک کردند»^۲.

در قرآن کریم نیز حکایت عبرت آموزی درباره بی‌توجهی برخی، نسبت به گناهان دیگران نقل شده که نتیجه آن چنین است :

«تنها کسانی را که «نهی از منکر» کردند نجات دادیم و بقیه را به سبب گناه، یا ترک نهی از منکر به عذابی سخت مبتلا نمودیم»^۳.

با توجه به آیه ابتدای درس، چه ارتباطی میان رواج «امر به معروف و نهی از منکر» و یک جامعه نمونه وجود دارد؟

فعالیت کلاسی



۱- نهج البلاغه، حکمت ۳۷۴

۲- نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲

۳- سوره اعراف، آیه ۱۶۵

ج) شیوه‌های «امر به معروف و نهی از منکر»

همان‌طور که اشاره شد امر و نهی، شیوه‌های گوناگون دارد: از توصیه‌ی دوستانه تا دستور آمرانه. از گفتار صریح تا درخواست غیرمستقیم. قهر و مبارزه منفی تا قیام و حرکت. چنان‌که قیام امام حسین علیه السلام برای تحقق این دو فریضه صورت گرفته است.

امر به انجام دادن کارهای واجب، امری واجب و سفارش کردن به انجام مستحبات، امری مستحب به‌شمار می‌رود. همین‌طور زشتی برخی گناهان، شدیدتر بوده و نهی از آنها اولویت بیشتری دارد. به همین جهت، «نهی از منکر» یک حاکم ظالم، و یا «امر به معروف» مسئولان حکومتی، از با ارزش‌ترین اعمال محسوب شده و نتایج آن به مراتب از امر و نهی‌های جزئی بیشتر است. قیام مردم ایران علیه شاه و تشکیل جمهوری اسلامی ایران، نمونه‌ای از این نوع امر به معروف و نهی از منکرهاست.

امروزه رسانه‌های صوتی و تصویری و مکتوب تأثیر فراوانی در هدایت افکار عمومی جامعه دارند و با روش‌های پیشرفته، ارزش‌های یک جامعه را دگرگون می‌کنند. این کار نه با نام «امر به معروف و نهی از منکر»، بلکه با عنوان جذّاب تبلیغات و به‌طور غیرمستقیم و غیرمحسوس صورت می‌گیرد. تأمل در این شیوه‌ها، راهنمای ارزنده‌ای جهت شناخت روش‌های مناسب «امر به معروف و نهی از منکر» خواهد بود.

روش‌های غیرمستقیم به علت اینکه مقاومت کمتری در برابر آن صورت می‌گیرد و مخاطب احساس شرمندگی و حقارت نمی‌کند، مؤثرتر از روش‌های مستقیم و اشاره صریح است، ولی به‌کارگیری این روش‌ها نیازمند ابتکار و اندیشه است. نمونه مشهور این روش، رفتار امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام در سنین کودکی با پیرمرد مسلمانی است که اشتباه وضو می‌گرفت و آن دو بزرگوار، از پیرمرد درخواست کردند که قضاوت کند کدام یک بهتر وضو می‌گیرد. و بدین‌صورت بدون هیچ کلامی، پیرمرد اشتباه خود را متوجه شد و از ایشان تشکر نمود.^۱

نمونه دیگر، برخورد امام کاظم علیه السلام با بُشر حافی است که در خانه‌اش مجلس عیش و نوش برقرار بود و امام خطاب به خدمتکار وی فرمود: «صاحب این منزل بنده است یا آزاد؟» زمانی

۱- بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۸۴

که خدمتکار با غرور پاسخ داد: «صاحب اینجا آزاد است»، امام فرمود: «بله. آزاد است، اگر بنده بود این طور در منزلش بساط گناه برپا نمی کرد.» هنگامی که این جملات سنجیده به گوش صاحبخانه رسید او را سخت متحوّل کرد و پابرهنه به دنبال امام افتاد و از گناه خود چنان توبه نمود که شهرهٔ تاریخ گشت.^۱

چند نمونه از روش‌های غیرمستقیم امر به «معروف» و نهی از «منکر» را در جامعه مثال بزنید.

فعالیت کلاسی



د) امر به معروف، و وظیفهٔ حکومت است یا مردم؟

سکوت نکردن در برابر انحراف و ظلم، وظیفه همه است و اختصاص به عده‌ای خاص ندارد. همان طور که افراد یک جامعه، وظیفه دارند یکدیگر و مسئولان را «امر به معروف و نهی از منکر» کنند، حکومت نیز وظیفه دارد مانع انجام منکر و ترک معروف در جامعه گردد. در گذشته‌ای نه چندان دور، تشکیلاتی به نام «حسبیه» در حکومت‌های اسلامی وجود داشت که بر رفتارهای اجتماعی مردم و کسب و کار آنها نظارت می کرد. همان کاری که امروزه «شهرداری»ها و «نیروی انتظامی» انجام می دهند. اما به تدریج این نهاد حکومتی کم رنگ شد و از میان رفت.

امروزه نیز، از سویی وظیفهٔ حکومت است که مردم را به معروف دعوت کند و از منکرات باز دارد و از سوی دیگر وظیفهٔ مردم است که اگر منکری از مسئولی دیدند، ساکت ننشینند و به نحو مناسب جلوی او را بگیرند. در این میان، مطبوعات و رسانه‌ها می توانند نقش پررنگ تری ایفا کنند.

۱- الکنی واللقاب، محدث قمی، ج ۲، ذیل عنوان «الحافی» ص ۱۵۳ به نقل از علامه در منهاج الکرامه

بیندیشیم و پاسخ دهیم

- ۱ انسان در زندگی خود به طور ناخودآگاه «امر به معروف یا نهی از منکر» های فراوانی انجام می‌دهد. نمونه‌هایی از آن را در زندگی خود بیابید و در کلاس مطرح نمایید.
- ۲ چرا افراد گناهکار با آنکه خود به گناه آلوده‌اند، گاه دیگران را به ناپاکی متهم و آنها را سرزنش می‌کنند؟
- ۳ با انجام گناه در جامعه، چه ضررهایی به دیگران می‌رسد؟
- ۴ هدف و ثمره «نهی از منکر» چیست؟

با مراجعه به نامه ۴۷ و خطبه ۱۹۲ نهج البلاغه آثار فردی و اجتماعی ترک «امر به معروف و نهی از منکر» را بیان کنید.

تحقیق کنید



درس دوم

امر به معروف و نهی از منکر (۲)

وَلَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ
وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ
وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ
وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

و باید از میان شما، گروهی (مردم را) به کارهای خیر
دعوت کنند، و به کار نیک فرمان دهند و از کارهای زشت
باز دارند. آنان همان رستگاران اند.

۱-سوره آل عمران، آیه ۱۰۴

■ در درس قبل با مفهوم، اهمیت و انواع «امر به معروف و نهی از منکر» آشنا شدیم. در این درس، شرایط و وجوب، روش انجام و مراتب امر به معروف و نهی از منکر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف) شرایط و وجوب

«امر به معروف و نهی از منکر» جزء واجبات کفایی است؛ یعنی از کارهایی است که انجام آن بر همه واجب است و اگر همه از انجام آن شانه خالی کنند، همگی گناهکار خواهند بود و در صورتی که با انجام یک فرد یا گروه، منکر ترک و معروف انجام شود، وظیفه از سایرین ساقط می‌شود. در صورت مشاهده ترک واجب یا ارتکاب معصیت و وجود برخی شرایط، «امر به معروف و نهی از منکر» بر افراد مطلع واجب می‌شود.

این شرایط عبارت‌اند از:

۱ **تشخیص معروف و منکر**: اولین شرط امر به معروف و نهی از منکر، اطلاع از احکام شرع و موارد واجب و حرام است. اگر امر و نهی، علم کافی نداشته باشد و مصادیق معروف و منکر را به درستی تشخیص ندهد، به جای کمک به تقویت دینداری در جامعه، موجب گمراهی مردم و تبدیل مستحبات به واجبات یا مکروهات به محرّمات، می‌شود. بنابراین، شرط اول آن است که بدانند آنچه ترک شده، واجب بوده است و آنچه انجام گرفته منکر است.

۲ **مفسده نداشتن**: اگر نهی، موجب مفسده بزرگ‌تر از ترک واجب یا انجام منکر باشد، نه تنها واجب نیست؛ بلکه حرام است؛ مثلاً اگر نهی از منکر در حضور دیگران، موجب ریختن آبروی فرد مسلمان در جامعه شود، جایز نیست و باید به زمان و مکان مناسب‌تری موکول شود. همچنین اگر این کار مستلزم انجام گناهی دیگر باشد جایز نیست؛ مانند ورود به حریم شخصی افراد، تجسس، افشای سرّ و ...؛ زیرا تجسس در امور شخصی افراد جایز نیست و حرام است.

۳ **قصد تکرار گناه**: در صورتی که فرد خطاکار از کار خود پشیمان شده و قصد انجام مجدد گناه را نداشته باشد، وجوب تذکر ساقط می‌شود.

۴ **احتمال تأثیر**: از دیگر شرایط وجوب، مؤثر بودن یا احتمال تأثیر است. اگر قرائن به

گونه‌ای است که شخص تشخیص می‌دهد «امر به معروف و نهی از منکر» تأثیر نمی‌گذارد، بر او واجب نیست، گرچه ممکن است مستحب باشد. اگر احتمال تأثیر عکس دهد، انجام آن جایز نیست؛ بلکه باید با تغییر روش و در فرصت و شرایط مناسب به انجام آن اقدام کند.

گاهی تأثیر، مستلزم تکرار امر و نهی و مداومت در گفتن است که در این صورت، عدم تأثیر یک باره، موجب رفع وجوب امر به معروف نمی‌شود و باید تذکر را تکرار نمود. گاهی نیز تغییر رفتار، مستلزم صبر و مداومت چند ماهه یا چندین ساله است.

به طور کلی، کمتر موردی یافت می‌شود که امر به معروف و نهی از منکر بی تأثیر باشد؛ آنچه مهم است یافتن شیوه و روش مناسب می‌باشد.

تذکر: کسی که «امر به معروف یا نهی از منکر» می‌کند، خودش نیز باید عامل به معروف و تارک منکر باشد تا سخنش در دیگران تأثیر بگذارد. و در حقیقت چه کسی سزاوارتر از خود، برای اجرای آن معرفی است که دیگران را به سوی آن فرا می‌خوانیم؟ بنابراین، هم خودمان به دستورات دین عمل کنیم و هم دیگران را به آن فرا بخوانیم. البته عمل به گفتار خود، شرط وجوب «امر به معروف و نهی از منکر» نیست و بهانه‌ای جهت انجام ندادن آن به شمار نمی‌رود، ولی شرط تأثیر در مخاطب است.

هیچ یک از ما معصوم نیستیم و ممکن است گاهی مرتکب خطا یا اشتباه شویم. همین اندازه که نسبت به آن کاری که می‌خواهیم به آن، امر یا نهی کنیم عامل باشیم، کافی است تا مورد اعتراض قرار نگیریم. البته سخن افراد پاکیزه و درستکار، به مراتب تأثیر بیشتری نسبت به افراد عادی دارد و همان‌طور که در کتاب‌های اخلاقی نمونه‌هایی از این تأثیرات ذکر شده، گاهی موجب تحول افراد گناهکار می‌گردد.

شنیدن موعظه از شخصی که خود به آن عمل نمی‌کند، چه تأثیری می‌تواند بر ما داشته باشد؟

تأمل

ب) مراتب امر به معروف و نهی از منکر

برای انجام «امر به معروف و نهی از منکر» مراتبی وجود دارد که شامل درجات خفیف تا شدید است، و تا زمانی که درجه خفیف کافی باشد نباید از درجه شدیدتر استفاده نمود. این مراتب، عبارت‌اند از:

۱ **مرتبه قلبی:** بدترین حالت در جامعه آن است که فرد، امری ناپسند یا مورد نیاز را در جامعه مشاهده نماید ولی در وجود خود نسبت به آن بی تفاوت باشد. در این مرتبه، شخص، ناراحتی قلبی خود را به سبب مشاهده گناه، از طریق چهره، طرز نگاه یا رفتار به مخاطب انتقال می‌دهد و به مخاطب می‌فهماند که کارش اشتباه است و مورد رضایت و تأیید نیست. این مرتبه، خود دارای درجات متعدد است که از حالت صمیمانه و دوستانه آغاز، و به حالت جدی و غیر محبت‌آمیز می‌تواند منتهی شود.^۱

۲ **مرتبه زبانی:** در صورتی که مخاطب با زبان رفتار متوجه زشتی عمل خود نشود و از آن دست بردارد، نوبت به مرحله زبانی می‌رسد؛ صحبت، سؤال، نصیحت، تشویق و توصیه، از درجات خفیف این مرتبه‌اند؛ گاهی نیز لازم است از مراحل شدید زبانی مانند سرزنش و بازخواست استفاده نمود. تشخیص مرحله و درجه مناسب، بستگی به شرایط زمانی و مکانی دارد و باید با دقت تمام، صورت گیرد.

۳ **مرتبه عملی:** این مرتبه عبارت است از دور نمودن ابزار گناه، جلوگیری از انجام گناه، تدبیر عملی برای انصراف فرد از معصیت و مشغول نمودن وی به کارهای مفید، آموزش عملی ترک منکر و انجام معروف از طریق عمل به معروف و ترک منکر و الگو بودن برای دیگران، و به طور کلی؛ تمام اقدامات عملی جهت دور نمودن فرد از محیط گناه.^۲

تذکر: مراحل شدید استفاده از زور که ممکن است به ضرب و جرح منجر شود جایز نیست، مگر در مورد دفاع از جان و ناموس خود یا دیگران. همچنین اگر اسلام در خطر باشد، با اذن امام معصوم علیه السلام یا ولی فقیه باید به مقابله با دشمنان اسلام پرداخت. از این رو، جهاد در برابر دشمنان نیز نوعی «امر به معروف و نهی از منکر» عملی محسوب می‌شود.

۱- با اینکه اثرات این مرتبه گاهی مؤثرتر از مرتبه زبانی است، بسیاری از متدینین از اهمیت آن غافل‌اند و فقط از تذکر زبانی استفاده می‌کنند. گاهی نیز در صورت مؤثر واقع نشدن تذکر زبانی، استفاده از این مرتبه (مانند قهر کردن یا بی‌اعتنایی کردن) بسیار مؤثر است.

۲- برای آگاهی بیشتر درباره امر به معروف عملی رجوع کنید به: حماسه حسینی، ج ۲، ص ۹۶ به بعد.

حکایتی دربارهٔ «امر به معروف و نهی از منکر» به شیوهٔ جاهلانه

شهید بزرگوار مرتضی مطهری رحمته الله علیه چندین حکایت از روش‌های نادرست امر به معروف و عواقب آن را نقل نموده که یکی از آنها چنین است:

«یکی از آقایان نقل می‌کرد که مردی در مشهد، نه تنها نماز نمی‌خواند و روزه نمی‌گرفت؛ بلکه به هیچ چیزی اعتقاد نداشت؛ یک آدم ضدّ دین بود؛ می‌گفت مدت زیادی با این آدم صحبت کردیم تا اینکه نرم شد و روش خود را به کلی تغییر داد و واقعاً معتقد و مؤمن شد. نمازش را می‌خواند و روزه‌اش را می‌گرفت و مقید شده بود که نمازش را با جماعت در مسجد گوهرشاد بخواند. در جلسات مذهبی ما هم شرکت می‌کرد. مدتی دیدیم که از این آقا خبری نیست. گفتیم لابد رفته است مسافرت، ولی رفقا گفتند اینجاست و نمی‌آید. تحقیق کردیم ببینیم علت چیست که یک مرتبه از دین و مذهب رو برگردانده؟ به سراغش رفتیم. معلوم شد قضیه از این قرار بوده است:

پس از چند روز که به نماز جماعت می‌رفت و در صف چهارم، پنجم می‌ایستاد، یک روز یکی از مقدس‌مآب‌هایی که در صف اول پشت سر امام می‌نشست موقع نماز از صف اول بلند می‌شود و می‌آید و روبه‌روی این آدم می‌نشیند و می‌گوید: «آقا! یک سؤال از شما دارم؛ شما مسلمان هستید یا نه؟» این بیچاره با تعجب پاسخ داد: «این چه سؤالی است که شما می‌کنید؟ اگر مسلمان نباشم، پس در صف جماعت مسجد چه کار می‌کنم؟!» جواب داد: «اگر مسلمانی پس چرا ریشت را این‌طور کرده‌ای؟». او هم به شدت ناراحت شده، برمی‌خیزد و می‌گوید: «این مسجد و این نماز جماعت و این دین و مذهب مال خودتان!». رفت که رفت.^۱

استاد ضمن نقل این حکایت و تأسف دربارهٔ آن می‌گوید: «این هم یک جور به اصطلاح «نهی از منکر» کردن است. یعنی فراری دادن و بیزار کردن مردم از دین!».

برای همین ائمهٔ دین فرموده‌اند: **جاهل بهتر است امر به معروف و نهی از منکر نکند؛ زیرا جاهل هنگامی که امر به معروف و نهی از منکر می‌کند می‌خواهد بهتر کند؛ اما**

۱- حماسهٔ حسینی، ج ۲، ص ۱۰۱-۱۰۰

بدتر می‌کند. شاید شما بگویید ما جاهلیم، پس امر به معروف و نهی از منکر از ما ساقط شد! اما جواب شما را داده‌اند؛ خدا عقل را برای چه آفریده است؟ برای اینکه بفهمی، تحقیق کنی. تو باید از آن کسانی باشی که نه تنها اوضاع زمان خودت را درک کنی؛ بلکه آینده را نیز بفهمی و درک کنی.^۱

بیندیشیم و پاسخ دهیم

- ۱ تفاوت انسان فاسق را با انسانی که ناخواسته مرتکب گناهی شده است بیان نموده، روش نهی از منکر هر یک را توضیح دهید.
- ۲ مضرات روش های نادرست «امر به معروف و نهی از منکر» را بشمارید.
- ۳ آیا توهین، سرزنش، تحقیر، ضرب و شتم، و هتک آبرو، جزء روش های «امر به معروف و نهی از منکر» محسوب می‌شوند؟ چرا برخی افراد از این روش‌ها استفاده می‌کنند؟
- ۴ در حکایت پیشین، اشتباه عمده‌ای که از سوی آن فرد مقدس مآب صورت گرفت، چیست؟ و شیوه صحیح نگرش و رفتار را در موارد مشابه بیان نمایید.

تحقیق کنید

دلایل کم‌رنگ شدن «امر به معروف و نهی از منکر» در جامعه را برشمارید و راه‌های گسترش «معروف» را در جامعه پیشنهاد دهید.



۱- حماسه حسینی، ج ۲، ص ۸۲ و ۸۳

درس سوم

دفاع و جهاد

كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ
وَهُوَ كُرْهُ لَكُمْ
وَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا
وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ
وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا
وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ ۗ

بر شما کارزار (در راه خدا) تکلیف شده
ولی برایتان ناخوشایند است.
و چه بسا چیزی را خوش نمی دارید،
ولی خیر شما در آن است،
و چه بسا چیزی را دوست دارید،
ولی برای شما بد است.

۱- سوره بقره، آیه ۲۱۶



■ در دو درس قبلی به «امر به معروف و نهی از منکر» پرداختیم و در این درس با احکام دفاع و جهاد که نوعی نهی از منکر به شمار می‌رود، آشنا می‌شویم.

الف) مفهوم جهاد

جهاد عبارت است از تلاش و مبارزه در راه خداوند و دفاع از مسلمانان و مظلومان، به منظور برپاداشتن حق و عدالت و برطرف ساختن ظلم و تجاوز و فتنه و فساد.

ب) انواع جهاد

جهاد انواعی دارد:

- ۱ جهاد دفاعی: عبارت است از دفاع در برابر تجاوز دشمن به حریم مسلمانان.
- ۲ جهاد ابتدایی: عبارت است از جهاد با کفار برای برچیدن نظام ظلم و گسترش عدالت. هدف از این نوع جهاد، کشورگشایی نیست؛ بلکه هدف آن، رفع موانع سلطه‌گران و بهره‌مندی مردم از حق هدایت و آشنایی با اسلام، و برخورداری از حق آزادی و عدالت است.

فعّالیت کلاسی

- ۱- برای هر یک از اقسام جهاد، یک یا چند مثال تاریخی بزنید.
- ۲- آیا جهاد ابتدایی جنگ طلبی به حساب می‌آید؟ برای پاسخ به این سؤال به توصیه‌های پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله به امام علی رضی الله عنه قبل از آنکه ایشان را روانه یمن بنماید مراجعه کنید. (اصول کافی، ج ۱، ص ۳۵۵)

به این آیات توجه کنید :

- ۱ «و بجنگید - در راه خدا- با کسانی که به جنگ با شما برخاسته‌اند، ولی از حد تجاوز نکنید که خداوند متجاوزان را دوست ندارد».^۱
- ۲ «و اگر دو گروه مؤمن، به منازعه برخاستند، بین آن دو صلح برقرار کنید. و اگر یکی از آنها، به دیگری حمله کرد، با گروه متجاوز بجنگید تا به اطاعت امر خداوند بازگردد؛ و در صورت بازگشت، میان آن دو صلح و آشتی عادلانه برقرار سازید».^۲
- ۳ «و با آنها بجنگید، تا دیگر فتنه‌ای نباشد و دین، مخصوص خداوند گردد. و اگر (از روش خود) دست برداشتند، تجاوز جز بر ستمکاران روا نیست».^۳

تأمل

- ۱- موارد صحیح جنگ با دشمن و موارد آتش‌بس با دشمن را با توجه به آیات قرآن بیان کنید.
- ۲- تفاوت آتش‌بس با دشمن، به سبب مصالح شرعی و عقلی، با سازش و ترس از دشمن را توضیح داده، معیارهایی جهت تشخیص این مصالح ارائه دهید.

۱- سوره بقره، آیه ۱۹۰

۲- سوره حجرات، آیه ۹

۳- سوره بقره، آیه ۱۹۳

ج) انواع دفاع

دفاع انواع گوناگونی دارد که در اینجا به بررسی دو نوع مهم آن می‌پردازیم :

۱) دفاع از کیان اسلام و حریم مسلمانان : اگر دشمن، به شهر یا مرز یک کشور اسلامی هجوم آورد، و خطر، جامعه اسلامی و مسلمانان را تهدید کند، بر همه مسلمانان واجب است تا به هر وسیله ممکن، با بذل مال یا جان خویش، از حریم اسلام و مسلمانان دفاع نمایند و به اجازه امام معصوم یا ولی فقیه نیازی نیست. کشتگان در این دفاع، شهید محسوب می‌شوند. تهاجم دشمن گاهی نظامی است و گاهی فرهنگی؛ گاهی جهت تصرف سرزمین یا بخشی از آن است و گاهی جهت تسلط سیاسی یا اقتصادی بر جامعه. گاه مسلمانان و گاه غیر مسلمان در تمام این حالات بر هر مکلف واجب است از وطن، فرهنگ، مال و جان و ناموس مسلمانان محافظت کرده و با کمک مالی، فکری، عملی و اهدای جان خود، به دفاع برخیزد. اگر این خطر وجود داشته باشد که کفّار از نظر سیاسی و اقتصادی بر مسلمانان مسلط شوند، دفاع واجب است؛ چه از طریق مقابله به مثل و به کارگیری وسایل و روش‌های دشمن، و چه از طریق مقاومت منفی و تحریم کالای دشمن، یا قطع ارتباط سیاسی، اقتصادی با آنان.



فعالیت کلاسی

- ۱- توجه به مطالب بالا، پاسخ پرسش‌های زیر را بیابید :
- ۱- مقصود دشمن از حمله به کشورهای مسلمان، تأمین چه اهدافی است؟
- ۲- در جهان امروز، چه توجیهاتی برای تهاجم به کشورهای یا شهرها به کار گرفته می‌شود؟
- ۳- کوتاه آمدن مسلمانان در برابر بیگانگان چه عواقبی به همراه دارد؟

آشنایی با برخی احکام و آداب دفاع و جهاد

- دفاع از اسلام و مسلمانان واجب است و نیازمند اجازه والدین نیست، هر چند سزاوار این است که حتی المقدور رضایت آنان نیز جلب شود.
- فردی که در میدان جهاد با کفار یا مشرکان کشته می‌شود، بدون غسل و کفن و با همان لباس‌های جنگ به خاک سپرده می‌شود. اما افرادی که خارج از معرکه جهاد به شهادت می‌رسند، باید غسل و کفن شوند.
- تمام گناهان شهید، به جز حق الناس، به هنگام شهادت بخشیده می‌شود.
- از آداب جهاد این است که در صورت امکان، ابتدا دشمن را موعظه کنند، و در صورتی که صادقانه پذیرفتند، با آنان قرارداد صلح امضا نمایند. مسلمانان وظیفه دارند تا زمانی که دشمن آن را نقض نکند، به این قرارداد پایبند باشند و مال و جان آنان را محترم شمارند.
- سرنوشت افرادی که در جنگ به اسارت درمی‌آیند در اختیار امام معصوم علیه السلام یا ولی فقیه است.

۲ دفاع از جان، ناموس و اموال خود: دفاع از جان و ناموس و مال خود، در برابر افراد ظالم و متجاوز واجب است و در صورت کشته شدن، اجر شهید را خواهد داشت؛ ولی به خطر انداختن جان، به واسطه گفتار بی‌ثمر یا رفتار نسنجیده، در جایی که ضرورت یا فایده‌ای ندارد، جایز نیست و حتی امر به معروف نیز محسوب نمی‌شود.

اگر فرد متجاوز، به انسان هجوم آورد و خواست او را به قتل برساند، واجب است به هر وسیله ممکن، او را دفع کند و جایز نیست که تسلیم وی شده، تن به ظلم دهد. و اگر امکان داشته باشد که از جنگ مهاجم فرار کند، چنین کاری جایز است و اگر متجاوز پا به فرار گذاشت جایز نیست به او ضربه‌ای وارد کند، وگرنه ضامن است.

اگر مهاجم قصد جان یا ناموس فرد را داشته باشد، حتی اگر دفاع کننده یقین دارد که مقابله با او سودی ندارد و در این دفاع کشته می‌شود، دفاع کردن واجب است. اما اگر قصد مهاجم فقط بردن اموال او باشد، اگر یقین داشته باشد که در هنگام دفاع کشته می‌شود، دفاع واجب نیست؛ زیرا حفظ جان از حفظ مال مهم‌تر است. و اگر به تنهایی قدرت دفاع از جان خود نداشته باشد، کمک گرفتن از دیگری واجب است؛ هر چند که او کافر باشد.

تأمل



- ۱- چرا تسلیم نشدن در برابر ظلم، مورد تأکید اسلام است؟
- ۲- چرا یاری گرفتن از کافر، برای دفع ظلم، ناپسند نیست؟
- ۳- آیا دفاع از یک کشور و سرزمین خاص، مد نظر اسلام می باشد یا حکم و جوب دفاع، شامل تمام سرزمین های اسلامی می شود؟

دفاع از خویشان و بستگان مانند فرزند و همسر و دفاع از افراد مظلوم و بی گناه، مانند دفاع از خود، واجب و احکام آن یکسان است.

در دفاع، رعایت مراتب، لازم است و تا زمانی که با اقدام خفیف تر می توان خطر را برطرف نمود، نباید دست به کار شدیدتر زد؛ مثلاً اگر مهاجم با تهدید یا بستن دست و پا یا مجروح ساختن از کار خود دست برمی دارد، باید به همان اکتفا نمود. و اگر دفع تجاوز فقط به وسیله کشتن متجاوز میسر می شود، جایز است او را به قتل برساند.^۱

اما اگر بداند که با مراعات ترتیب، وقت از دست می رود و دزد یا ظالم، بر جان یا ناموس وی غالب می شود رعایت ترتیب لازم نیست.

برای مطالعه

اگر دو نفر به ناحق با یکدیگر درگیر شوند، آغازکننده ضامن^۲ است و دفاع کننده ضامن نیست، اما اگر هم زمان به یکدیگر حمله ور شده باشند، هر یک ضامن جنایت وارده بر دیگری است، و اگر در هنگام درگیری، یکی دست از حمله بردارد و دیگری به او حمله کند و خسارتی بر او وارد آورد، تنها او ضامن است.

۱- در مواردی که برای دفاع از خود، زدن و زخمی کردن و کشتن مهاجم جایز است، منظور جواز شرعی است؛ اما از نظر قانونی، قاضی طبق ظاهر و موازین قضایی حکم می کند. بنابراین، اگر کسی را به قتل برساند و شاهی بر حقانیت خود نداشته باشد، قاضی مطابق مقررات، وی را محکوم به قصاص می کند.

۲- یعنی نسبت به تلف شدن جان و مال طرف مقابل، تکلیفی بر عهده او می باشد.

۱ هدف از تشریح حکم جهاد را در اسلام بیان نمایید.

۲ تفاوت جهاد با جنگ افروزی چیست؟

تحقیق کنید

۱- برخی معتقدند جنگیدن و دفاع، به هیچ وجه صحیح نیست، و برای پرهیز از جنگ و درگیری، باید از حق خود گذشت و به برخی از خواسته‌های دشمن تن داد. نظر شما درباره این عقیده و عواقب آن چیست؟ آیا چنین روشی در جهان امروز امکان‌پذیر است؟ نمونه‌های آن را بیان نمایید.

۲- قیام کربلا، انقلاب اسلامی ایران، هشت سال دفاع مقدس، جنگ ۳۳ روزه لبنان و دفاع ۲۲ روزه غزه، نمونه‌هایی از جهاد و دفاع اسلامی‌اند. یکی از این موارد را از لحاظ هدف و شرایط تحلیل کنید و با توجه به کتاب «جنگ و جهاد در قرآن»، نوشته آیت‌الله مصباح یزدی، به اشکالات مخالفان جهاد پاسخ دهید.